

الفبانهامی در زبانهای اروپایی و معادل گذاری فارسی آن

شهریار بهرامی اقدم

چکیده

مقاله حاضر به اصطلاحات ترکیبی با حضور یک عنصر الفبایی لاتین یا یونانی می پردازد و با عنوان الفبانهامها، معادلهای متداول فارسی آنها را بررسی می کند. گرچه موضوع از دیدگاههای مختلف در خور توجه است، ولی به بررسی موضوع از دیدگاه ترجمه و معادل گذاری فارسی الفبانهامهای انگلیسی و اروپایی اکتفا شده است. در عمل اهل فن و زبان، از کلیشه های الفبانهامی لاتین فاصله گرفته اند و در ترجمه برای آنها معادلهای غیر الفبانهام برگزیده اند. فهرستی از الفبانهامهای انگلیسی وارد شده در زبان فارسی معاصر و معادلهای آنها پیوست مقاله است که از روی آن می توان قواره های معادل گذاری الفبانهامها را شناخت.

الفبانهامی

الفبانهامی، نامگذاری به کمک حروف الفبایی لاتین و یونانی است. در الفبانهامها همواره یک عنصر الفبایی حضور دارد. مانند V-tail, U-tube, T-Shirt در انگلیسی، H-Kabel, U-Naht, T-Stain در آلمانی، و glissière en V و fer à I, barre en T و α-particle, γ-function, β-decay در فرانسه. در ترکیب با حروف یونانی می توان الفبانهامهایی مانند و ملموس هستند و بیش از همه در عرصه فن و تکنولوژی به کار رفته اند. نگارنده بر پایه تجربه های عینی خود به نمونه هایی که در رشته های فنی و علمی وجود دارد، استناد خواهد کرد.

دسته بزرگی از الفبانهامها ویژگی تشبیهی دارند و شباهت موضوع را به یکی از حروف الفبای لاتین می رسانند، در انگلیسی صورت کلی آنها ترکیب میشوند گونه X-shaped و X-form است.

به دلیل ویژگیهای گرافیکی و هندسی الفبای لاتین، می شود به کمک حروف الفبا واژه های ترکیبی زیادی ساخت که کار نامگذاری را راحت می کند و در عین حال با گرایش طبیعی زبان به کوتاه گویی نیز همخوانی دارد. مثلاً C-clamp یک نوع گیره دستی دهانه باز پیچی است که در فارسی به آن گیره کمانی می گویند. مترادف آن در انگلیسی carriage clamp است که بتدریج جای خود را به کلمه ساده، کوتاه و شفاف C-clamp داده است.

دسته دیگری از الفبانهامها سهمای کوتاه شده یا مستعار هستند که باز هم بر بستر گرایش کوتاه گویی زبان جان گرفته اند. مثلاً در فیزیک مفهومی داریم به نام ضریب قابلیت یا Quality Factor، که معیاری است برای سنجش قابلیت یک سیستم تناوبی برای ذخیره انرژی. دستگاهی ساخته اند که این قابلیت را اندازه می گیرد و در ابتدا اسم آن را گذاشته اند Quality Factor meter. ولی بتدریج این اسم طولانی به صورت Q-meter یا کیوسنج کوتاه شده است و یا در مکانیک، در بحث انتقال حرارت مفهومی داریم به نام ضریب کلی انتقال حرارت که آنرا به طور خلاصه ضریب U یا U-factor می نامند. در اصطلاح آلمانی به مترو

می گویند U-Bahn که کوتاه شده Unterbahn است .

الفبانامها در زبانهای انگلیسی و اروپایی در دو عرصه فنی و علمی به کار رفته اند. به اصطلاحات فنی ز توجه کنید:

I - انگلیسی	
L(L)	زانو
trap	شتر گلو
X-ray	اشعه ایکس
β-beam	پرتو بتا
H-beam	تیر آهن بال پهن
T-groove	شیار چکشی
U-channel	ناودانی
U-bolt	گربی - پیچ رکابی
II - آلمانی	
Z-Stahl	نبشی دوسر
S-Bogen	لوله دو خم
I-Träger	تیر آهن معمولی
U-Stahl	ناودانی
V-Naht	درز جناغی

III - فرانسه	
glissière en V	شیار جناغی
profile en T	سپری
profilé en U	ناودانی
poutrelle I	تیر آهن معمولی

الفبانامهای انگلیسی زیر، نمونه ای از اصطلاحات علمی هستند:

V-band	باند فرکانس V [مخابرات]	T-scale	متیاس T [روان شناسی]
γ-function	تابع گاما [ریاضی]	U-Factor	ضریب انتقال حرارت [مکانیک]
Q-meter	کیوسنج [فیزیک]	pi(π) theorem	قضیه پی [تحلیل ابعادی]

الفبانامها را از دیدگاه زبان فارسی می توان در زمینه های جالبی مانند زبان شناسی، ریشه شناسی، فرهنگ نگاری و ترجمه بررسی کرد. این مقاله عجزاً الفبانامی را در زمینه ترجمه و معادل گذاری فارسی مروری می کند.

معادل گذاری الفبانامهای انگلیسی، آلمانی و فرانسه

برای مقایسه الفبانامهای انگلیسی، آلمانی و فرانسه، نام مقاطع ساختمانی را در این زبان بررسی می کنیم .

فارسی	انگلیسی	آلمانی	فرانسه
نبشی	angle	L-Stahl	cornière
ناودانی	channel	U-Stahl	profilé en U
تیر آهن معمولی	I-beam	I-Träger	poutrelle I
سپری	T-beam	T-stahl	profilé en T
نبشی دوسر	Z-Stahl	Z-bar	fer en Z
تسمه دوزنقه ای	V-belt	--	courroie trapézoïdale

این جدول، اشتراک و افتراق نمونه وار الفبانامهای این سه زبان را نشان می دهد بیشترین اشتراک الفبانامهای انگلیسی و آلمانی، در نامگذاری درزهای جوش به چشم می خورد:

Naht(G)	joint(E)	نام درز
V	V	جناغی
U	U	ناودانی یا لاله‌ای
DoppelU	double U	لاله‌ای دو طرفه
I	I	İ
L	L	گلویی
K	K	نیم جناغی دو طرفه
holb V یا Y	Y	نیم جناغی
X	X	صلیبی یا جناغی دو طرفه

می بینیم که معادلهای الفبانه این زبانها هم می توانند الفبانه باشند (مثل سپری و گلویی) و هم می توانند غیر الفبانه باشند (مثل نبشی و تسمه دوزنقه‌ای). این انتقال چالاک صوری و معنایی میان اسمها در سه زبان، به علت داشتن الفبای مشترک و نزدیکی فرهنگی به راحتی صورت می گیرد.

معادل گذاری غیر الفبانه‌ی

همانطور که اشاره شد حروف الفبای لاتین جنبه های گرافیکی و هندسی مشخص و واضحی دارند. از اینرو واژه سازی تشبیهی - الفبایی و معادل گذاری متناظر در زبانهای همخط با سهولت انجام می شود. ولی حروف الفبای فارسی به علت داشتن شکلهای انحادار و پر نقطه و دندانه، برخلاف الفبای لاتین به کار تشبیه نمی آیند و در نتیجه نمی توان آن معادلهای الفبایی فارسی برای الفبانه‌های لاتین پیدا کرد. البته در فارسی قدیم و ادبیات شمری و عامیانه نمونه هایی از تشبیه الفبایی یافت می شود، مثلاً در این نیم بیت از یک شعر عاشقانه محلی:

الف بودم ز عشقت دال گشتم!

و شاید نمونه های دیگری هم پیدا شود. در فارسی معاصر نگارنده فقط یک مورد الفبانه‌ی در نامگذاری استخوانی در حنجره، به نام *استخوان لامی سراخ* دارد که به شکل حرف «ل» فارسی است.

نیز گفتیم که الفبانه‌ها بویژه در رشته های فنی کاربرد دارند. مخاطبان فارسی زبان این رشته ها اکثراً کارگران و آدمهای ساده فنی هستند و علی القاعده سواد زبان خارجی ندارند. بنابراین در سطح عامیانه کم اند افرادی که الفبای لاتین را بشناسند و تشبیه به T و U و H و I را لمس و درک کنند. به این ترتیب الفبانه‌ها را هم، مانند اصوات، ایماها و اشاره هادریان مبدأ، باید در زبان مقصد ترجمه کرد. اهل فن و زبان دربر گردان الفبانه‌های لاتین، از گونه الفبانه‌ی پرهیزی می کنند و برای آنها معادلهای غیر الفبانه‌ی برمی گزینند و کلیشه های ییگانه X-shaped و I-form را به کار نمی برند.

کار در سطح *عالمانه* یعنی مخاطبان دانشور و آشنایان زبان خارجی آسانتر است و به همین دلیل در رشته های علمی، الفبانه‌ها را که اغلب معرف مفهومی علمی هستند به همان قالب الفبانه‌ی به فارسی برمی گردانند و عنصر الفبایی کلمه را در ترجمه، به فراخور موضوع گاه با تلفظ و خط فارسی (و گاه لاتین) می نویسند. در قسمت قبل به نمونه های علمی الفبانه‌ها در انگلیسی اشاره کردیم.

الفبانه‌های دخیل

در چند مورد الفبانه‌ها به صورت *واژه های دخیل* و جافتاده به زبان فارسی راه پیدا کرده اند و در بین عموم یا اهل فن تداول دارند، از جمله:

- تی شرت (T-shirt)، پیراهن بدون یقه
- خط کش تی (T-square)، خط کش بلند نقشه کشی با سرد و طرفه T شکل
- تیه: وسیله تمیز کاری کفهای سنگفرش و کفپوشهای پلاستیکی، بادسته چوبی و تیغه لاستیکی به شکل T
- اشعه ایکس (X-ray)، پرتو مجهول
- محور x ها، y ها و z ها در ریاضی
- اورینگ (O-ring)، واشر حلقوی به شکل ①
- یو (U)، زانوی برگردان ۱۸۰ درجه در لوله کشی
- اچ (H)، کلاهک دودکش در روی بام، در اصطلاح حلبی سازی و کانال سازی. به علاوه اس در اصطلاح جنگلداری و صنایع چوب به نوعی میخ چند سر به شکل S اطلاق می شود که که آن را برای جلوگیری از ترک خوردن الوارهای تازه بریده به سر و ته الوار می کوبند و به این کار اس کوبی می گویند.
- زد (Z)، نبشی دوسر که از جمله در پوشش سقف سالنهای صنعتی و سوله ها به کار می رود.
- الفبانامهای دخیل از نظر فرهنگ نگ نویسی، در خورا همیت اند. غیر از تی شرت و ایکس، بقیه الفبانامهای دخیل در فرهنگهای واژه های دخیل اروپایی در فارسی نیامده است.

معادل گذاری الفبانامها در فارسی

در ترجمه و معادل گذاری فارسی الفبانامها، عملاً معادل های تشبیهی و غیر تشبیهی (توصیفی) هر دو به کار رفته است. به نمونه های زیر توجه کنید:

I. در انگلیسی

V-cut	برش هفتی شکل	C-press	پرس دهانه باز
U-joint	درز جوش لاله ای	Tee	سه راه
X-joint	درز جوش صلیبی	Y	سه راه ۴۵ درجه
V-8 engine	موتور ۸ سیلندر خورجینی	double Y	چهارراه ابرویی
		S-trap	سیفون ۴۵ درجه

II. در آلمانی

S-Bogen	دو خم - گردن قو	V-Naht	درز جوش جناغی
T-Stück	شیر سه راهه	V-Lager	بالینه جناغی
S-Krümmung	لوله دو خم - زانوی قو گلو	Y-Schaltung	اتصال ستاره
U-Eisen	ناودانی	U-Boot	زیر دریایی

حال با مراجعه به فهرست الفبانامهای پیوست و جدول معادل های فارسی می بینیم که بیشتر از نصف الفبانامهای گرد آمده در فهرست (۵/۵۴ درصد) از ترکیب با سه حرف T، U، V ساخته شده اند. ترکیبهای U ۲۴ درصد، ترکیبهای V، ۱۶ درصد و ترکیبهای T، ۱۴/۵ درصد کل ترکیبها را تشکیل می دهند. بیشترین تعداد معادل هم متعلق به این سه حرف است.

معادل های تشبیهی در مجموع، اندکی بیشتر از معادل های توصیفی غیر تشبیهی هستند، و به نظر نمی رسد در گزینش معادلها، ترجیح خاصی میان آنها وجود داشته باشد. با این حال فهرست و جدول می تواند پیش درآمد مناسبی برای بررسی بیشتر موضوع باشد و در عین حال راهنمایی است

برای مترجمان تادریس‌خورد با الفباناها، اولاً از کاربرد اصطلاحات کلیشه‌ای پرهیزند و ثانیاً کمتر دچار سردرگمی در یافتن معادل شوند و ثالثاً بر اساس شم و خلاقیت زبانی خود معادل‌های تازه‌ای پیشنهاد کنند.

جدول معادل‌های فارسی الفباناها (اسم و صفت)

توصیفی و غیر تشبیهی	تشبیهی	عناصر معادل الفبایی
دهانه باز	کمانی	C
بال پهن	اچ	H
نیم جناغی دو طرفه	-	K
-	زانو، گلوبی	L
موجدار مثلثی	-	M
حلقوی	-	O
-	شتر گلو	P
دو خم	گردن قو، قو گلو، شتر گلو، اس	S
سپری، سه راهی، انشعاب ۹۰ درجه	چکشی، تی، T	T
راسته، دو شاخه، برگردان	ناو (شکل)، ناودانی، لاله‌ای،	U
مثلث باز، دوزنقه‌ای، شیروانی	نعلی شکل، رکابی، کرپی، یو، U شکل	V
جناغی دو طرفه، ضربدری، متقاطع،	جناغی، جناغی شکل، خورجینی،	X
چپ و راست	هفتی شکل دم ماهی، دم پروانه‌ای	Y
سه راه - دوراهی، دو شاخه	صلیبی	
	ابرویی، ستاره	

فهرست الفبایی الفباناها و معادل‌های فارسی آنها

B

پرتو بتا (beta) beam

C

گیره کمانی C-clamp

پرس دهانه باز C-press

G

تابع گاما gamma(γ) function

H

اچ (کلاهک دودکش) H

تیر آهن بال پهن H-beam

شمع H (ساختمان) H-pile

I

تیر آهن معمولی I-beam

درز (جوشکاری) I-joint

joint	درز نیم جناغی دو طرفه	T-shirt	تی شرت
		T-square	خط کش تی
		U	
ell	زانو	U	زانوی برگردان، زانوی ۱۸۰ درجه، یو
L-joint	درز گلوبی	U-bend=U	
		U-block	بلوک سردر (ساختمان)
M		U-bolt	کرپی - پیچ رکابی
M-roof	سقف موجدار مثلثی	U-channel	ناودانی
		U-factor	ضریب انتقال حرارت،
		U	ضریب
O		U-frame	شاسی به شکل U (اتومبیل)
O-ring	اورینگ - واشر حلقوی	U-joint	درز ناودانی - درز لاله ای
		U-joint, double	درز ناودان دو طرفه،
		U	درز لاله ای دو طرفه
P		U-shaped	ناوشکل
pi(π)theorem	قضیه پی	U-stirrup	رکابی، خاموت باز
P-trap	سیفون پی شکل - شتر گلو	U-tie	بست دو شاخه
		U-trap	سیفون راسته
Q		U-tube	لوله نعلی شکل
Q-meter	کیو سنج (فیزیک)	U-tube heat	مبدل حرارتی U شکل
S		exchange	
S	اس، دو خم	U-tube manometer	فشارسنج دو شاخه، فشارسنج نعلی شکل
S-trap	سیفون ۹۰ درجه، شتر گلو	V	
		V-band	باند فرکانس V
T		V-belt	تسمه دوزنقه ای
T	ته (برای زمین شویی)	V-black	گونیا ی جناغی
T-beam	سپری	V-connection	اتصال مثلث باز
Tec=T	سه راه	V-cut	برش هفتی شکل
T-branch	سه راه ۹۰ درجه		
T-groove	شیار چکشی		
T-junction	انشعاب عمودی (راه سازی)		
T-scale	مقیاس T (روان شناسی)		

V-eight . موتور ۸ سیلندر خورجینی

V-flume مجرای جناغی شکل

V-joint درز جناغی

V-tail دم پروانه‌ای، دم ماهی

V-thread رزوهٔ دوزنقه‌ای

X

X-ray اشعهٔ ایکس، پرتو مجهول

X-brace مهاربند متقاطع، بادبند چپ و راست

X-frame خرپای ضربدری

X-joint درز صلیبی

Y

Y-branch سه راه ۴۵ درجه

Y-connection اتصال ستاره

Y-double چهارراه ابرویی (لوله کشی)

Y-junction دوراهی (راهسازی)

Y-level تراز یاب دو شاخه

Z

Z زدفیل زد، نبشی دوسر، زد